

کتیبه‌های شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه

احمد خامه‌یار^۱

در دو قرن چهارم و پنجم هجری، منطقه شمال سوریه، به مرکزیت شهر حلب، شاهد تأسیس دو دولت از نخستین دولتهای غیر علوی در تاریخ شیعه بود. دولت نخست یعنی دولت حمدانیان، در اوایل قرن چهارم هجری توسط سیف‌الدوله حمدانی (۳۳۳-۳۵۶ هـ) پایه‌گذاری شد. دولت دوم، دولت بنی مرداس بود که پس از انقراض سلسله حمدانیان، در اوایل قرن پنجم توسط صالح بن مرداس (۴۱۵-۴۲۰ هـ) تأسیس شد و با آغاز سلطه سلجوقیان بر منطقه شام، از بین رفت. در دوره‌های تاریخی بعدی، با توجه به روی کار آمدن حاکمان سنی مذهب و آغاز سختگیری‌ها نسبت به شیعیان، به تدریج از حضور و نقش سیاسی و اجتماعی آنان در این منطقه کاسته شد؛ به طوری که تا پایان دوره عثمانی، شیعه به اقلیت کوچک و کمجمعیتی در منطقه تبدیل شده بود.

هنوز در برخی بناهای باقیمانده از دوران گسترش تشیع در شهر حلب و منطقه شمال سوریه، کتیبه‌هایی با مضامین مذهبی شیعی وجود دارد که سند و یادگاری از حضور تاریخی شیعیان در این منطقه به شمار می‌آید. به نظر میرسد برخی از این کتیبه‌ها، که قدمت آن از قرن پنجم هجری است، از کهن‌ترین کتیبه‌های شیعی و قدیمی‌ترین نمونه‌های باقیمانده از نوع خود باشد و بنابراین از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در تاریخ هنر و معماری شیعی برخوردار است. بدون شک در دیگر سرزمین‌های جهان اسلام به ویژه عراق و ایران، بناها و زیارتگاه‌های شیعی قدیمی تری وجود دارد که دارای کتیبه‌هایی با مضامین شیعی بوده است، ولی بیشتر این بناها در دوره‌های بعدی، دستخوش بازسازی‌ها و تغییرات متعدد شده است و تاریخ کتیبه‌های شیعی موجود در آن، به دوره‌های تاریخی پسین باز می‌گردد. از جمله قدیمی‌ترین کتیبه‌های

۱- کارشناس ارشد مطالعات اسلامی.

کتیبه‌های شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه/ احمد خامه‌یار

بنای مشهد دارای ساختمان ساده‌ای است و از شبستان کوچکی در سمت جنوب و صحن کوچکی در شمال تشکیل یافته است. شبستان دارای گنبد نیمکره‌ای است. ورودی بنا در میان ضلع شمالی صحن قرار دارد. بنای مشهد بیشتر به یک مسجد کوچک و ساده شباهت دارد و با بنای مسجد یا مقام ابراهیم خلیل (ع) در قلعه حلب، از آثار دوره بنی‌مرداس، قابل مقایسه است.

بر سردر بنا، سنگی وجود دارد که حاوی نقوش هندسی اسلامی است. در بالای این نقوش، کتیبه‌ای در چهار سطر به خط کوفی غیر منقّط وجود دارد که بر اساس آن، نام بانی مشهد، «سلطان بن ابراهیم بن علی» و تاریخ بنای آن سال ۴۲۶ ه. ق. است. این تاریخ، مصادف با دوره حاکمیت امیر شبل الدوله نصر بن صالح بن مرداس (۴۲۰-۴۲۹ ه.) بر منطقه است. متن کتیبه چنین است:

[سطر ۱: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ، مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ

[سطر ۲: اللّٰهِ، عَلِیٌّ وَّلِیُّ اللّٰهِ، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمَا، هٰذَا مَشْهَدٌ اَمِیْر

[سطر ۳: الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیُّ ابْنِ اَبِی طَالِبٍ بَنَاهُ سُلْطٰنُ بَنِ اِبْرٰهَیْمِ بَنِ عَلِیِّ

[سطر ۴: فِی سَنَةِ سِتِّ وَّ عَشْرِیْنَ وَّ اَرْبَعَمِائَةٍ

در سمت چپ ورودی، کتیبه دیگری وجود دارد که بر اساس آن، بنای مشهد در سال ۱۳۷۸ ه. ق. توسط «جمیل رَحَّال»، رئیس کمیته اوقاف شیعه در معرة مصرین، بازسازی شده است.



تزیینات و کتیبه سردر مشهد امام علی (ع) در معرة مصرین
(عکس از مؤلف)

دمشق: العهد الفرنسي، چاپ ۱، ۱۹۵۳م. ابن شداد حلبی (م ۶۸۴ ه.) نیز تعدادی از این گونه زیارتگاه‌ها در شهر حلب را نام برده است. ر. ک: الاعلیق الخطیرة فی ذکر امراء الشام و الجزيرة، تحقیق دومینیک سوردیل، دمشق: العهد الفرنسي للدراسات العربیة، ۱۹۵۳م، ۴۲/۱-۵۳.

کتیبه مناره مسجد جامع حلب

مسجد جامع یا جامع کبیر یا مسجد جامع اموی حلب، از مهمترین مساجد دوره اموی است که در پایان قرن اول هجری بنا شده است. گفته شده این مسجد را سلیمان بن عبدالملک (۹۶-۹۹ هـ)، خلیفه اموی، در رقابت با مسجد اموی دمشق که توسط برادرش ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ هـ) ساخته شده، بنا کرده است؛ ولی بنا بر قول دیگری، مسجد اموی حلب نیز توسط ولید بنا شده است. مسجد در دوره های بعدی، دچار تخریب ها و آتشسوزی های متعددی شده و پس از هر حادثه بازسازی شده است. از مهمترین این حوادث، آتشسوزی بزرگی بود که در سال ۵۶۴ هـ توسط اسماعیلیان صورت گرفت. پس از این آتش سوزی، مسجد توسط سلطان نورالدین محمود بن زنگی (۵۴۱-۵۶۹ هـ)، بازسازی شد و توسعه یافت^۱ و طرح بنای کنونی آن از همین دوره است. مسجد اموی حلب به علت وجود مزاری منسوب به حضرت زکریای پیامبر (ع) در شبستان آن، نزد اهالی حلب به جامع زکریا نیز شهرت دارد.^۲

در گوشه شمال غربی صحن مسجد، منارهای با پلان مربع به طول ضلع حدود ۴/۹۵ و ارتفاع ۴۵ متر وجود دارد. این مناره از نظر تزئینات و جزئیات معماری، نخستین و کامل ترین نمونه از نوع خود^۳ و یکی از زیباترین مناره های سوریه به شمار می آید. بدنه مناره از پنج طبقه با تزئینات متنوع ساخته شده است و در نقطه اتصال طبقات، کتیبه هایی به خط کوفی و ثلث قرار دارد.^۴

کتیبه فوقانی سومین طبقه، به خط ثلث مورق و حاوی آیه بسمله و آیه ۵۶ سوره احزاب (به جز بخش پایانی آن یعنی عبارت «وسلموا تسلیما») و صلوات بر چهارده معصوم است. متن کامل آن بدین شرح است:

[ضلع شرقی:] بسم الله الرحمن الرحيم إن الله و ملائکته یصلون علی الـ

[ضلع جنوبی:] نبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه اللهم صل علی محمد المصطفا و علی

[ضلع غربی:] المرتضی و فاطمة الزهرا و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی

[ضلع شمالی:] الرضی و محمد و علی و الحسن و الحجة القائم و ارفع منارهم و ارحم اولیاءهم

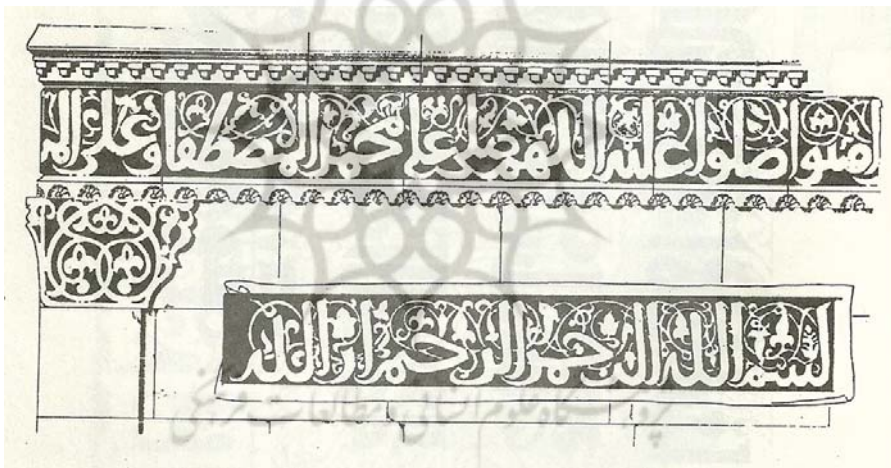
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. فارس، محمد کامل، الجامع الاموی بحلب: تاریخچه و معالمه الاثریة، حلب: دار القلم العربی، چاپ ۱، ۱۹۹۵، ص ۱۶.
۲. این مزار در اصل منسوب به سر حضرت یحیی بن زکریا (ع) بوده است که از قلعه حلب به این محل منتقل شده است. رک: ابن شداد، همان، ۴۰/۱/۱.
۳. نمونه های مشابه دیگر این مناره را می توان در برخی مساجد جامع شهرهای شمال سوریه از جمله معره النعمان و نیز مسجد بزرگ قلعه حلب یافت. همه این مناره ها از مناره جامع حلب الگو گرفته اند و از نظر تزئینات بسیار ساده ترند.
۴. برای آگاهی تفصیلی از این مناره و تزئینات و کتیبه های آن، رک: فارس، محمد کامل، همان، ص ۲۸ به بعد.

کتیبه‌های شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه/ احمد خامه‌یار



ضلع جنوبی کتیبه حاوی اسامی معصومین، در مناره مسجد جامع حلب
(عکس از مؤلف)



بخش‌هایی از کتیبه حاوی صلوات بر چهارده معصوم روی مناره مسجد جامع حلب
(فارس، محمد کامل، الجامع الاموی بحلب: تاریخ و معالمه الاثریة، حلب: دار القلم العربی، چاپ ۱،
۱۹۹۵، ص ۷۷)

همچنین کتیبه فوقانی طبقه چهارم، حاوی آیه بسمله و دو آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده به خط کوفی مورق است. این دو آیه، از جمله آیاتی است که شیعیان برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین (ع) به آن تمسک می‌جویند. در گزارش‌های موجود در منابع تاریخ حلب، جزئیاتی درباره بنای مناره نقل شده است. ابن شداد حلبی (م ۶۸۴ هـ) از بهاء‌الدین ابومحمد حسن بن ابراهیم بن سعید بن یحیی (از شخصیت‌های

کتیبه‌های شیعی از قرن پنجم هجری در شمال سوریه/ احمد خامه‌یار

خاندان بنی‌خُشَّاب) نقل کرده است که عموی پدرش، فخرالدین ابوالحسن محمد بن یحیی، در سال ۴۸۲ هـ ساخت مناره را به پایان رساند.^۱

وی همچنین از ابن عدیم حلبی (م ۶۶۰ هـ) - که خود از عظیمی (م ۵۵۶ هـ) روایت نموده، نقل کرده است که در سال ۴۸۲ هـ مناره مسجد جامع حلب توسط قاضی ابوالحسن محمد بن یحیی بن محمد بن خُشَّاب، در زمان قسیم‌الدوله اَقسُنُقُر، حاکم حلب در دوره سلجوقی، عمارت گردید. براساس این گزارش، ابن خُشَّاب، نام آق سنقر را روی مناره نوشت و سپس نزد او رفت و رضایت وی را برای ساخت مناره جلب کرد.^۲ ابن عدیم در جای دیگری گفته است که مناره حلب، در ایام قسیم‌الدوله، در سال ۴۸۲ هـ بازسازی شد.^۳ ابن ابی طیّ (م ۶۳۰ هـ) مورخ شیعه حلب نیز در تاریخ خود نوشته است: مناره در زمان سابق بن محمود بن صالح [بن مرداس] به دست قاضی ابوالحسن ابن خُشَّاب تأسیس شد. معمار آن مردی از اهالی سُرْمین بود که پی مناره را به آب رساند و سنگهای آن را با چنگک‌های آهنی و سربی محکم کرد. او ساخت مناره را در ایام قسیم‌الدوله آق سنقر به پایان رساند.^۴

علاوه بر گزارشهای یاد شده، اطلاعات دیگری نیز از کتیبه‌های مناره درباره زمان ساخت آن به دست می‌آید. در ضلع جنوبی اولین طبقه مناره، کتیبه‌ای در دو سطر وجود دارد که در آن، نام معمار بنا «حسن بن مفرح السرمانی» و تاریخ بنا سال ۴۸۳ هـ ذکر شده است. براساس کتیبه فوقانی همین طبقه، مناره در دوره ملک شاه سلجوقی بازسازی شده است. در کتیبه دیگری که در پایین همین کتیبه قرار دارد، نام قسیم‌الدوله اَقسُنُقُر ذکر شده است. براساس کتیبه فوقانی طبقه پنجم مناره نیز، ساخت آن در دوره «تتش» سلجوقی به پایان رسیده است.^۵

با جمع‌بندی این اقوال و گزارش‌ها و در نظر گرفتن متن کتیبه‌ها، میتوان چنین نتیجه گرفت که در دوره سابق بن محمود مرداسی (۴۶۸-۴۷۲ هـ)، ساخت مناره آغاز و شد؛ سپس در ایام قسیم‌الدوله اَقسُنُقُر (۴۷۸-۴۸۷ هـ)، حاکم حلب در دوره سلجوقی، و معاصر دو پادشاه این دوره، «ملکشاه» و «تتش»، به پایان رسید.^۶

به هر روی، از منابع تاریخی معتبر چنین برمی‌آید که مناره جامع حلب به همت فخرالدین ابوالحسن محمد بن یحیی بن محمد بن خُشَّاب، معروف به «ابوالحسن ابن خُشَّاب»، بنا شده است. او از شخصیت‌های خاندان شیعه مذهب «بنی خُشَّاب» در حلب و قاضی این شهر در دوره سلجوقی بوده است. این امر، تفسیرگر وجود کتیبه‌ای با مضامین شیعی روی این مناره است.

۱. ابن شدّاد، همان، ۱/۱-۳۳-۳۴.

۲. همان، ۱/۱-۳۴.

۳. سُرْمین، شهرکی است واقع در ۸ کیلومتری شرق ادلب که در گذشته از شهرهای بزرگ شمال سوریه و از مراکز مهم اسماعیلیان در شام بوده است. ر.ک: قوصره، فایز، همان، ص ۴۷.

۴. ابن شدّاد، همانجا.

۵. فارس، محمد کامل، همان، ص ۳۲-۳۶.

۶. همان، ص ۳۷.

نهضت ترجمه در عصر قاجار

احمد محسنی^۱

آرشیو خاچاطوریان سرادهی^۲

در تاریخ بشریت، ترجمه دارای نقش اساسی و بسیار مهمی بوده و از دیرباز، در پویایی دانش و فرهنگ بشری و انتقال آن به جوامع و ملل دیگر، نقش بزرگی ایفا کرده است. این مطلب تا به اینجا مورد توجه است که با توجه به اینکه تکنولوژی در حال پیشرفت و رقابت بین کشورهای جهان به شدت رو به گسترش است، نیاز به ترجمه را می‌توان یک امر ضروری ارزیابی نمود.

سابقه ترجمه شاید به دوران باستان بازگردد که انسان توانست با ایجاد یک مسیر فکری مشخص در دنیای خویش، با بهره‌گیری از تجارب و استعدادهای ملت‌های دیگر، به تکمیل یافته‌های خود بپردازد و پیشرفت نماید. پس باید اظهارکنیم که عمر ترجمه به درازای تاریخ است و این شاید همان ظهور انقلاب علمی در جهان باشد. براین اساس، سابقه ترجمه در ایران بسیار طولانی است و چنان‌که از شواهد و قرائن استخراج می‌شود، ترجمه در ایران از ادوار گذشته تاریخی ملت ما حضور داشته و در عصر باستان، یکی از علوم مسلم و شناخته شده به حساب می‌آمده است. این در حالی است که می‌دانیم سوابق ترجمه در فلات ایران، مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد بوده که اکنون اثری از این ترجمه‌ها وجود ندارد.

بیشتر صاحب نظران، بر این عقیده استوارند که ترجمه متون پیش از اسلام، در ایران رونق بسیاری داشته و پس از ورود اسلام، دانشمندان و فلاسفه ایران از هر قوم، ملت و دینی، در نهضت‌های طلایی ترجمه که

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران جنوب)، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی).